روی موج کوتاه

هشدار سپاه:

ادامه تجاوزات، اعلام عزای عمومی را در آمریکا به دنبال خواهد داشت

سپاه پاسداران هشدار داد: اگر تجاوزات دشمن ادامه یابد، آماده عملیات پشیمان کننده‌ای می‌شویم که اعلام عزای عمومی در آمریکا را به دنبال خواهد داشت. روابط عمومی سپاه در اطلاعیه شماره ۴۲ عملیات نصر ۲ گزارشی از ضربات سنگین به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه را ارائه و اعلام کرد: تنها راه احیای بازدارندگی و برقراری امنیت پایدار، اجرای فرمان قرآن است که می‌فرماید «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ». در این اطلاعیه آمده است: برای دور کردن دائمی سایه جنگ از کشور جز ایستادگی و تحمیل هزینه سنگین به متجاوز راهی نیست اگر این پاسخ‌ها اکتفا نکند و تجاوزات ادامه یابد، آماده عملیات پشیمان کننده‌ای می‌شویم که اعلام عزای عمومی در آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

ترامپ:

در برابر هر حمله ایران به کشتی‌ها، یک پل یا نیروگاه تهران را نابود می‌کنیم

رئیس جمهور آمریکا بار دیگر ایران را تهدید کرد و گفت: از این پس در برابر هر حمله ایران به یک کشتی در تنگه هرمز، آمریکا یک پل یا نیروگاه را در ایران، از جمله در تهران یا اطراف آن، بمباران و نابود خواهد کرد. در پیام دونالد ترامپ در تروث سوشال آمده است: هر بار که جمهوری اسلامی ایران یک کشتی را در تنگه هرمز مورد اصابت قرار دهد، چه با موشک، گلوله، پهپاد یا هر وسیله یا سلاح دیگری، ایالات متحده یک پل یا یک نیروگاه را بمباران و نابود خواهد کرد، از جمله آن‌هایی که در نزدیکی پایتخت تهران یا در خود شهر قرار دارند. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم.

گروسی:

نمی‌دانم بازرسان آژانس کی می‌توانند به ایران بروند

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به بی‌بی‌سی گفته است که نمی‌داند بازرسان این سازمان چه زمانی می‌توانند برای از سرگیری کار به ایران بازگردند. رافائل گروسی، از مقام‌های ایران خواست تا به سرعت دسترسی به مراکز هسته‌ای ایران را برای بازرسان تسهیل کنند. او مدعی شد که نگرانی‌های اساسی در مورد اورانیوم غنی شده با غلظت بالا که در ایران باقی مانده، همچنان پابرجاست.

فرمانده کل ارتش:

تنگه هرمز را کنترل و به آمریکایی‌ها شلیک می‌کنیم

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، گفت: ما ایستاده‌ایم، تنگه هرمز را کنترل می‌کنیم و به آمریکایی‌ها شلیک می‌کنیم، آنها باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران یک قدرت معتبر است و به عزت ملت ایران اذعان کنند. خیلی‌ها منتظر به ذلت کشیده شدن ملت ایران بودند، اما به برکت خون امام شهید و همه شهدا، اراده خداوند متعال، عزت و پیروزی مردم ایران بوده و هست. امیر حاتمی، در بازدید از یگان‌های مختلف زمینی، پدافند هوایی و هوایی ارتش در استان اصفهان، با تأکید بر اینکه هدف نهایی دشمن از حملات اخیر، فروپاشی نظام و تجزیه ایران بود، گفت: ملت ایران با ایستادگی این نقشه را ناکام گذاشت و نیروهای مسلح نیز با ارتقای توان رزمی، آماده مقابله با هر گونه تهدید هستند.

سخنگوی وزارت کشور:

مصوبه‌ای برای پایان تجمعات مردمی نداریم

سخنگوی وزارت کشور گفت: بخشی از تجمعات مردم برای دفاع از کشور است و فعلاً پیامی یا مصوبه‌ای برای پایان آن وجود ندارد. علی زینی‌وند، صبح چهارشنبه ۳۱ تیرماه، در نشست خبری افزود: وظیفه داریم در قالب شورای تامین و شورای امنیت کشور تا جایی که مقدور باشد با هر فردی که بر خلاف انسجام داخلی اقدامی انجام دهد، برخورد کنیم. وی تصریح کرد: همه جریان‌ها رگه‌ای از دوقطبی‌سازی دارند. اما دفاع از کشور دوقطبی‌پذیر است؟

روسیه ادعای آمریکا را رد کرد:

به تهران سلاح نمی‌دهیم

وزیر خارجه روسیه گفت: مسکو خواهان پایان یافتن تنش‌ها در تنگه هرمز است و هیچ گونه تسلیحاتی در اختیار تهران قرار نمی‌دهد، شایعات مطرح‌شده در این زمینه مایه شرمساری است. به گزارش فراروبه نقل از تاس، سرگئی لاوروف، در حاشیه نشست‌های «آسه‌آن» در فیلیپین افزود: غرب، و به‌ویژه واشنگتن، بی‌هیچ دلیل موجهی در حال دامن زدن به این روایت هستند که گویی روسیه و چین مستقیماً تسلیحات لازم برای حمله به اهداف آمریکایی را در اختیار ایران قرار می‌دهند؛ خب، شنیدن چنین حرف‌هایی واقعاً مایه شرمساری است. در این باره مبالغه شده و ما آن را رد می‌کنیم.

بقایی:

هیچ فعالیت هسته‌ای در کوه کلنگ وجود ندارد

سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنش به حملات و تهدیدهای آمریکا علیه تاسیسات و مراکز هسته‌ای ایران در شبکه ایکس نوشت: تمرکز بیمارگونه آمریکا بر کوه کلنگ که هیچ فعالیت هسته‌ای در آن وجود ندارد، چیزی جز بهانه‌جویی برای تخریب و ویرانگری نیست. اسماعیل بقایی افزود: راستی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نامزد دبیر کلی سازمان ملل کجاست؟!

وال استریت ژورنال:

توانمندی موشکی ایران همچنان پابرجاست

روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال به نقل از مقامات نظامی این کشور اذعان کرد که ایران همچنان توانمندی موشکی قابل توجهی دارد. به گزارش عصر ایران به نقل از این روزنامه آمریکایی، تحلیلگران نظامی می‌گویند ایران پس از جنگ ۴۰ روزه و در طول بیش از ۱۰۰ روز گذشته، پایگاه‌های موشکی زیرزمینی آسیب‌دیده را تعمیر کرده، ذخایر موشکی قابل توجهی را حفظ کرده و توانایی خود را برای به چالش کشیدن دفاع هوایی ایالات متحده بهبود بخشیده است.

مهدی خانکی، از معترضان دی‌ماه اعدام شد

قوه قضاییه اعلام کرد که حکم اعدام مهدی خانکی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، پس از تایید در دیوان عالی کشور صبح چهارشنبه ۳۱ تیر اجرا شده است. به گزارش خبرگزاری میزان، مهدی خانکی «عنصر فعال یک گروهک تروریستی» بوده و از سال ۱۴۰۲ با یکی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران همکاری داشته و آموزش ساخت مواد منفجره دیده بود.

جغرافیای جنگ از جنوب ایران به آبراه‌های جهانی و پایگاه‌های اروپا در حال گسترش است؛

گسترش میدان به فراتر از مرزهای خاورمیانه

نهال فرخی

جنگ ایران و آمریکا هر شب در آسمان شهرهای جنوبی ادامه دارد، اما دامنه واقعی آن دیگر به موشک‌هایی که میان دو طرف ردوبدل می‌شود محدود نیست. اکنون پایگاه‌های نظامی اروپا، بنادر خلیج فارس، تنگه هرمز، باب‌المندب، شورای امنیت سازمان ملل و حتی مناسبات تهران با کشورهایی که تا چند هفته پیش میانجی شناخته می‌شدند، به بخش‌هایی از یک میدان بزرگ‌تر تبدیل شده‌اند. در همین حال، قطر که میزبان مذاکرات اجرای تفاهم ایران و آمریکا بود، در پی حملات تازه به قلمرو خود مسیر اعتراض رسمی و حقوقی را در پیش گرفته است. پاکستان نیز با وجود نقش خود در انتقال پیام‌ها و تلاش برای کاهش تنش، تهدیدها و حملات انصارالله علیه عربستان را محکوم کرده است. بدین ترتیب، میانجی‌هایی که قرار بود فاصله میان تهران و واشنگتن را کاهش دهند، اکنون خود با پیامدهای منطقه‌ای جنگ مواجه شده‌اند و برخی از آنان آرام آرام از موقعیت بی‌طرفانه پیشین فاصله می‌گیرند.

باب‌المندب؛ گشودن جبهه‌ای که عربستان را وارد میدان می‌کند

در چنین شرایطی اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن، مرحله دیگری از گسترش جنگ است. حوثی‌ها تهدید کرده‌اند کشتی‌هایی را که با بنادر عربستان در دریای سرخ ارتباط دارند هدف قرار دهند. برخی نفتکش‌ها نیز در واکنش به این تهدید مسیر خود را تغییر داده‌اند؛ هرچند دامنه عملی اجرای محاصره هنوز روشن نیست.

اهمیت این تهدید فقط در احتمال اختلال در باب‌المندب خلاصه نمی‌شود. عربستان طی سال‌های گذشته کوشیده بود خود را از رویارویی مستقیم با تهران دور نگه دارد و حتی پس از آغاز جنگ، از ورود آشکار به میدان نظامی خودداری کند. اما هدف قرار گرفتن کشتیرانی، بنادر یا صادرات نفت عربستان می‌تواند ریاض را به سمت همراهی امنیتی گسترده‌تر با آمریکا سوق دهد. هم‌زمان، ایجاد بحران در باب‌المندب در کنار ناامنی هرمز، دو گلوگاه مهم انرژی و تجارت جهانی را به یک منازعه واحد پیوند می‌دهد. از منظر راهبردی، تهران و شرکای منطقه‌ای آن ممکن است گسترش ناامنی دریایی را ابزاری برای افزایش هزینه جنگ برای آمریکا بدانند؛ اما نتیجه سیاسی آن می‌تواند متفاوت باشد. هر کشتی که مسیرش تغییر می‌کند، هر محموله نفتی که دیرتر به مقصد می‌رسد و هر دولت عربی که خود را در معرض تهدید می‌بیند، می‌تواند به بازیگری تازه در جبهه فشار علیه ایران تبدیل شود.

اکنون جنگ دیگر تنها میان ایران و آمریکا نیست؛ شبکه‌ای از پایگاه‌ها، آبراه‌ها، میانجی‌ها، دولت‌های عربی و کشورهای اروپایی پیرامون آن شکل گرفته است. هنوز فرصت بازگشت به دیپلماسی وجود دارد و شکاف‌هایی مانند موضع اسپانیا نشان می‌دهد صفی یکپارچه علیه ایران به وجود نیامده اما این فرصت دائمی نیست

پایگاه‌های اروپا در خدمت آمریکا؛ انگلیس و بلغارستان بازیگران تازه

اما گسترش میدان فقط در خاورمیانه رخ نمی‌دهد. نخست‌وزیر جدید بریتانیا با ادامه استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی این کشور برای حملاتی که لندن آنها را «دفاعی» می‌نامد موافقت کرده است. این تصمیم، ادامه سیاست دولت پیشین بریتانیاست که در ماه مارس نیز اجازه استفاده محدود آمریکا از پایگاه‌های بریتانیایی برای هدف قرار دادن توان موشکی ایران را صادر کرده بود. از نظر حقوقی و سیاسی، دولت بریتانیا می‌کوشد میان مشارکت در جنگ و ارائه امکانات برای عملیات دفاعی تفاوت قائل شود. اما از نگاه تهران، پایگاهی که هواپیما یا تجهیزات آمریکایی از آن برای اجرای عملیات علیه ایران استفاده کند، بخشی از زنجیره جنگ به شمار می‌رود. همین اختلاف در تعریف، احتمال کشیده شدن روابط ایران و بریتانیا به مرحله‌ای خطرناک‌تر را افزایش می‌دهد.

در این میان پارلمان بلغارستان نیز استفاده هواپیماهای نظامی آمریکا علیه ایران از خاک خود را تصویب کرد. کمیته دفاع پارلمان بلغارستان دیروز به تصویب پیش‌نویسی رأی داد که به هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی اجازه می‌دهد از پایگاه هوایی در خاک این کشور، از عملیات نظامی علیه ایران پشتیبانی کنند. ایران اما هشدار داده هرگونه حمایت عملیاتی یا لجستیکی که به حملات آمریکا کمک کند، می‌تواند مشارکت در تجاوز تلقی شود.

با این حال، هنوز نمی‌توان از شکل‌گیری یک اجماع کامل اروپایی علیه ایران سخن گفت. اسپانیا در ماه‌های گذشته با استفاده آمریکا از دارایی‌ها و پایگاه‌های نظامی‌اش در جنگ ایران مخالفت کرده و همین تصمیم به یکی از محورهای تنش میان مادرید و واشنگتن تبدیل شده است. بنابراین اروپا همچنان یکدست نیست؛ اما ورود بریتانیا و مشارکت لجستیکی بلغارستان نشان می‌دهد دایره همراهان عملیاتی آمریکا در حال گسترده‌تر شدن است.

مساله مهم برای تهران این است که هشدارهای تند علیه کشورهای میزبان امکانات آمریکا، ممکن است دولت‌های مردد را بازدارد؛ اما در صورت حمله عملی به خاک یا تأسیسات آنان، همان دولت‌ها می‌توانند به مخالفانی فعال‌تر تبدیل شوند.

قطر؛ از میز مذاکره تا مسیر شکایت

اما شاید مهم‌ترین نشانه تغییر فضای سیاسی منطقه، وضعیت قطر باشد. دوحه یکی از مهم‌ترین میانجی‌های تفاهم ایران و آمریکا بود و قرار بود مذاکرات غیرمستقیم برای اجرای توافق در قطر برگزار شود. سازمان ملل نیز در نشست دوم ژوئیه از میزبانی قطر برای گفت‌وگوهای اجرایی استقبال کرده و طرفین را به ادامه تعامل فراخوانده بود.

اما با از سرگیری حملات و اصابت موشک‌ها و پهپادها به قلمرو قطر، موقعیت دوحه تغییر کرده است. قطر دیگر فقط کشوری نیست که پیام میان تهران و واشنگتن جابه‌جا می‌کند؛ خود به یکی از کشورهای آسیب‌دیده از درگیری تبدیل شده است. چنان که دوحه با ارسال نامه‌هایی به دبیر کل سازمان ملل و شورای امنیت، مسیر اعتراض رسمی را دنبال کرده است.

این تحول برای ایران اهمیت نمادین و راهبردی دارد. قطر در سال‌های گذشته یکی از معدود دولت‌های عربی بود که می‌توانست هم‌زمان با تهران، واشنگتن و سایر کشورهای خلیج‌فارس گفت‌وگو کند. دوحه بارها میزبان مذاکرات حساس و انتقال‌دهنده پیام‌های محرمانه بوده است. تبدیل چنین بازیگری از میانجی به شاکی، هرچند لزوماً به معنای قطع کامل نقش دیپلماتیک آن نیست، نشان می‌دهد جنگ چگونه سرمایه میانجی‌گری ایران را مصرف می‌کند؟

قطر نمی‌تواند در حالی که امنیت شهروندان، زیرساخت‌ها و صنایع انرژی‌اش تهدید می‌شود، صرفاً نقش یک پستچی دیپلماتیک را ایفا کند. هرچه حملات به خاک این کشور ادامه یابد، اولویت دوحه از حفظ کانال گفت‌وگو به تضمین امنیت و مطالبه پاسخ‌گویی تغییر خواهد کرد. در این صورت، ایران یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی خود با آمریکا را تضعیف‌شده خواهد یافت.

پاکستان؛ میانجی تهران و شریک راهبردی ریاض

پاکستان در این میان حتی نمونه پیچیده‌تری است. اسلام‌آباد در مقاطع مختلف کوشیده است میان ایران و آمریکا نقش‌آفرینی کند و در روزهای اخیر نیز رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان دو کشور ادامه داشته است. با این حال، روابط پاکستان با عربستان سعودی، به‌ویژه در حوزه اقتصادی و امنیتی، جایگاه مستقلی در سیاست خارجی اسلام‌آباد دارد.

پس از تهدیدها و حملات حوثی‌ها علیه عربستان، وزارت خارجه پاکستان موضعی صریح اتخاذ کرد. اسلام‌آباد حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها را نقض حاکمیت و تمامیت ارضی عربستان دانست، از اقدامات دفاعی ریاض حمایت کرد و بر حق عربستان برای دفاع از خود تأکید گذاشت.

این موضع را نباید لزوماً به معنای پیوستن کامل پاکستان به جبهه آمریکا علیه ایران تفسیر کرد. پاکستان همچنان از گسترش جنگ زیان می‌بیند، مرز طولانی و حساسی با ایران دارد و از بی‌ثباتی منطقه‌ای استقبال نمی‌کند. اما محکومیت آشکار انصارالله نشان می‌دهد اسلام‌آباد حاضر نیست به‌خاطر میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن، امنیت عربستان را نادیده بگیرد. برای ایران، پیام این موضع روشن است که استفاده از ظرفیت شرکای منطقه‌ای برای گسترش فشار بر آمریکا، الزاماً به افزایش قدرت چانه‌زنی تهران منجر نمی‌شود. هنگامی که این فشار متوجه عربستان یا خطوط تجارت جهانی شود، حتی کشوری مانند پاکستان که درهای خود را برای دیپلماسی باز نگه داشته، ممکن است در پرونده امنیت منطقه‌ای در کنار ریاض قرار گیرد. در واقع، پاکستان میان «میانجی‌گری برای پایان جنگ» و «تعهدات راهبردی نسبت به عربستان» تفکیک قائل شده است. اسلام‌آباد می‌تواند برای انتقال پیام میان تهران و واشنگتن تلاش کند، اما هم‌زمان تهدید علیه سعودی‌ها را محکوم کند. این دوگانگی برای پاکستان منطقی است، اما برای تهران نشانه محدود شدن قابلیت اتکا به میانجی‌هاست.

میانجی‌گری زیر آتش دوام نمی‌آورد

در ادبیات رسمی ایران، بارها تأکید شده است که میدان و دیپلماسی مکمل یکدیگرند. روح‌الله لک علی‌آبادی، نماینده دورود و ازنا، نیز با اشاره به ادامه حملات در جنوب گفته است: «با وجود هر تفاهم، هر قرارداد و هر تلاشی که در عرصه دیپلماسی صورت گیرد، این جنگ همچنان ادامه دارد.» او میدان دیپلماسی را یکی از میدان‌های جنگ توصیف کرده است. این نگاه از یک جهت واقع‌گرایانه است؛ زیرا توافق روی کاغذ، بدون تغییر در محاسبات نظامی طرفین، نمی‌تواند خود به خود جنگ را متوقف کند. تفاهم ۱۴ بندی نیز نشان داد که امضای یک سند، لزوماً به معنای پایان خصومت نیست. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که تداوم میدان، خود زیرساخت دیپلماسی را از میان ببرد.

میانجی زمانی می‌تواند نقش مؤثر ایفا کند که از هر دو طرف فاصله‌ای قابل قبول داشته باشد و امنیت ملی خود را در معرض تهدید مستقیم نبیند. وقتی خاک قطر هدف قرار می‌گیرد، عربستان با محاصره دریایی تهدید می‌شود و پاکستان مجبور است میان سکوت و حمایت از ریاض یکی را انتخاب کند، فضای بی‌طرفی میانجی‌ها کوچک‌تر می‌شود.

ایران قرار است در چند جبهه بجنگد؟

ایران اکنون با آمریکا در یک جنگ مستقیم نظامی قرار دارد؛ هم‌زمان باید از بنادر، تأسیسات انرژی و جزایر راهبردی جنوب محافظت کند؛ امنیت تنگه هرمز را مدیریت کند؛ پیامدهای اقدامات متحدان منطقه‌ای خود در باب‌المندب را پاسخ دهد؛ روابطش با کشورهای عربی میزبان نیروهای آمریکا را حفظ کند؛ مانع پیوستن کشورهای اروپایی بیشتر به زنجیره عملیات شود و در عین حال، کانال‌های دیپلماتیک خود با قطر، عمان و پاکستان را از دست ندهد.

این تعداد جبهه برای کشوری که هم‌زمان با فشار اقتصادی، آسیب زیرساختی و فرسایش اجتماعی روبه‌روست، مسئله‌ای صرفاً نظامی نیست. هر جبهه تازه، بخشی از ظرفیت سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک ایران را مصرف می‌کند. مهم‌تر اینکه برخی از این جبهه‌ها نه با تصمیم مستقیم تهران، بلکه بر اثر واکنش کشورهایی شکل می‌گیرند که خود را از گسترش جنگ متضرر می‌بینند و اگر تهدید هرمز، باب‌المندب یا پایگاه‌های منطقه‌ای به نزدیک‌تر شدن کشورهای عربی به آمریکا، مشارکت بیشتر اروپا و دور شدن میانجی‌ها منجر شود، تهران باید بپرسد آیا افزایش هزینه برای دشمن، هم‌زمان هزینه تنهایی ایران را نیز افزایش نداده است؟

برخی از جبهه‌ها نه با تصمیم مستقیم تهران، بلکه بر اثر واکنش کشورهایی شکل می‌گیرند که خود را از گسترش جنگ متضرر می‌بینند و اگر تهدید هرمز، باب‌المندب یا پایگاه‌های منطقه‌ای به نزدیک‌تر شدن کشورهای عربی به آمریکا، مشارکت بیشتر اروپا و دور شدن میانجی‌ها منجر شود، تهران باید بپرسد آیا افزایش هزینه برای دشمن، هم‌زمان هزینه تنهایی ایران را نیز افزایش نداده است؟

اکنون هنوز میدان جنگ از مرزهای ایران فراتر رفته است. آبراه‌ها، پایگاه‌ها، میانجی‌ها و بازارها همگی وارد معادله شده‌اند. اما هنوز فرصت بازگشت به دیپلماسی وجود دارد و شکاف‌هایی مانند موضع اسپانیا نشان می‌دهد صفی یکپارچه علیه ایران به وجود نیامده است. اما این فرصت دائمی نیست. هر شب ادامه جنگ می‌تواند یک کشور دیگر را از جایگاه میانجی به شاکی، از موضع بی‌طرفی به پشتیبان لجستیکی و از نگرانی سیاسی به همراهی امنیتی با واشنگتن منتقل کند. خطر اصلی برای ایران فقط شدت حملات آمریکا نیست؛ خطر آن است که در پایان این مسیر، تهران خود را در میدان جنگی ببیند که جغرافیای آن هر روز گسترده‌تر و شمار میانجی‌های آن هر روز کمتر شده است.

گفت و گو

یک حقوقدان:

ستادها و مقرها حق پلمب ندارند، پلمب اقدام غیرقضایی نیست

یک حقوقدان گفت: به نظر من پلمب کافه‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب یک تصمیم نهادی و ابلاغ‌شده از سطوح عالی نیست؛ به احتمال زیاد برخی بخش‌ها بدون هماهنگی دست به چنین اقداماتی زده‌اند زیرا عقلانیتی که امروز در مدیریت کشور مشاهده می‌کنیم، چنین اقداماتی را برنمی‌تابد.

محسن برهانی، در گفت‌وگو با آوش در واکنش به پلمب کافه‌ها در روزهای اخیر گفت: پلمب کافه‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب شرعی توسط برخی از مشتریان بیش از سه سال است که نظام اجتماعی و قضایی را درگیر کرده است. این موضوع باید از دو جنبه مورد بررسی قرار گیرد؛ نخست از منظر حقوقی و دوم از منظر مصالح عالیه اجتماع. از لحاظ حقوقی، باید به یک سؤال اساسی پاسخ دهیم و آن این است که آیا پلمب مراکز خدماتی و تولیدی یک اقدام قضایی است یا یک اقدام غیرقضایی؟

او افزود: اگر قائل باشیم که پلمب یک اقدام قضایی است به این معناست که ابتدا باید پرونده تشکیل شود و پس از آن، زمانی که پرونده به دست

مقام قضایی رسید، دادیار یا بازپرس پرونده درباره پلمب تصمیم‌گیری کند. در اینجا محور تشخیص نظر قضایی مقام تحقیق یعنی دادیار یا بازپرس، می‌شود. قانون‌گذار نیز در ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، حتی برای مقام قضایی محدودیت‌های خاصی در نظر گرفته است. در این ماده، ابتدا یک قاعده کلی بیان شده و آمده است، «کسی حق ندارد مراکز تولیدی یا خدماتی را پلمب کند.» متن ماده می‌گوید: «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی، از قبیل امور تجارتی، کشاورزی، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، شرکت‌های تجاری و تعاونی و مانند آن ممنوع است.»

برهانی تصریح کرد: قانون‌گذار یک استثنا در نظر گرفته و آن هم صرفاً برای مقام قضایی است که طبق آن آمده است: «مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه یا نظم عمومی باشد.» برای مثال، اگر رستوران یا کافه‌ای غذای آلوده عرضه کند و مخل امنیت جامعه و نظم عمومی شد، باز هم بازپرس باید برای جلوگیری از ادامه فعالیت، به دادستان اطلاع دهد. بنابراین وقتی پلمب تبدیل به یک اقدام قضایی شود، قانون‌گذار صریحاً شرایط را بیان و قانون اختیار پلمب را به قوه قضائیه واگذار می‌کند. از نظر ما، وقتی اختیارات مقام قضایی که بالاترین جایگاه را دارد، تا این اندازه محدود شده به طَریق اولی هر مقام دیگری هم اختیار محدود دارد.

این حقوقدان اظهار کرد: اما رویکرد دوم که متأسفانه استفاده می‌شود، این است که برخی نهادها فکر می‌کنند پلمب یک اقدام غیرقضایی است؛ آنها فرض می‌کنند سایر نهادها هم حق پلمب دارند. در این نگاه، دیگر به محدودیت‌ها و قیود ماده ۱۱۴ مقید نیستند. متاسفانه این تلقی دوم در سال‌های قبل با وجود اقدامات برخی ستادها و مقرها شایع شد. متاسفانه این تلقی دوم از ماده ۱۱۴ در سال‌های اخیر به دلیل اقدامات برخی ستادها و مقرها شایع شد و تصور کردند هر نهادی اختیار پلمب کردن را دارد. به اعتقاد بنده، برای حل این معضل و برگشت به قانون، باید قوه قضائیه ورود کند و سایر نهادها در ذیل دستگاه قضائی اقدام کنند و درباره پلمب یا هر اقدام مشابه، بعد از نظر قضائی تشکیل پرونده شود.

برهانی ادامه داد: این، رویکرد حقوقی نیازمند هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف است. به این ترتیب که دادستان‌ها باید با محوریت دستگاه قضا، ضمن آموزش ضابطان و ارگان‌ها و نهادها، مفاد ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری را به درستی تبیین و اجرا کنند. این ماده کاملاً روشن است و به نظر بنده، این ماده جنبه انحصاری دارد؛ یعنی وقتی قانون می‌گوید «ممنوع است»، این ممنوعیت برای همه است و وقتی می‌گوید، «جز» برای مقام قضائی استثنا قائل می‌شود. مشخص است که قانون‌گذار حین نوشتن این ماده نگران بوده که تشکیل پرونده برای متهمان، تبعات اقتصادی برای کشور ایجاد نکند و موجب تعطیلی کسب و کارها، بیکاری مردم و آسیب به تولید و خدمات نشود.

گزارش

اجرای احکام سنگین در روزهای پر تنش، تا چه اندازه به امنیت کمک می‌کند؟

هزینه‌های اجتماعی اعدام‌های امنیتی

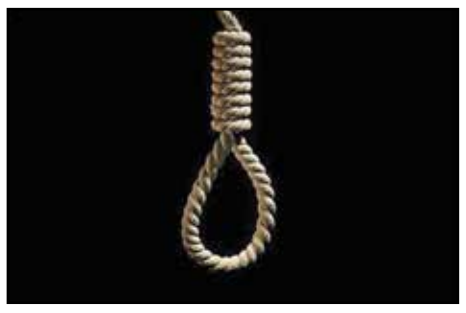

اعدام «مهدی خانکی» بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که اجرای احکام سنگین در روزهای پر تنش، تا چه اندازه به امنیت کمک می‌کند و چه هزینه‌ای برای اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی دارد؟

به گزارش رویداد ۲۴، اعلام خبر اجرای حکم اعدام «مهدی خانکی» به اتهام‌های امنیتی و تسلیحاتی مرتبط با حوادث دی‌ماه گذشته، بار دیگر بحث در خصوص پیامدها و تبعات اجتماعی و سیاسی اجرای متوالی چنین احکامی را به فضای عمومی و مطبوعاتی کشور کشانده است. طی روزهای اخیر، نه تنها رسانه‌ها و چهره‌های تحلیلی، بلکه روزنامه‌های دیرپا و متینی همچون «اطلاعات» نیز در موضع‌گیری‌های صریح، خواستار بازنگری، شکیبایی و توقف موقت اجرای احکام سنگین قضایی شده‌اند.

در شرایط حساس کنونی که کشور با فشارهای محیطی، تهدیدات امنیتی فرامرزی و بحران‌های اقتصادی مواجه است، خوانش شتاب‌زده از تدابیر سخت‌گیرانه قضایی می‌تواند کارکرد معکوسی پیدا کند و سرمایه اجتماعی را هدف قرار دهد.

تبعات اجتماعی؛ تزریق ناآرامی روانی به افکار عمومی

نخستین و ملموس‌ترین اثر تداوم موج اخبار مرتبط با اجرای احکام اعدام، آثار مستقیمی است که بر سلامت روانی و احساس امنیت افکار عمومی بر جای می‌گذارد. جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، امید و احساس رأفت ساختاری است. همان‌طور که برخی تحلیل‌گران و دغدغه‌مندان مسائل اجتماعی اشاره کرده‌اند، انتشار مداوم اخبار تلخ و استرس‌زا در بامداد هر روز، فضای روانی جامعه را ملتهب‌تر می‌سازد. قانون و مجازات اگرچه با هدف بازدارندگی تعریف شده‌اند، اما زمانی که فراگیری و شتاب اجرایی آنها بر فضای رسانه‌ای سایه می‌اندازد، ممکن است احساس جریحه‌دار شدن عواطف عمومی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی را جایگزین کارکرد بازدارندگی کند.

بهره‌برداری رسانه‌ای مخالفان و آسیب به تصویر بین‌المللی کشور

از منظر رسانه‌ای و بین‌المللی، تشدید احکام اعدام در شرایط بحرانی، بهانه و سوخت لازم را برای ماشین تبلیغاتی و جنگ روانی رسانه‌های بیرونی فراهم می‌کند. روزنامه اطلاعات در یادداشتی هوشمندانه خطاب به ریاست قوه قضائیه به همین نکته کلیدی اشاره داشت که در اوج بحران‌های منطقه‌ای و تبلیغات فشرده خصمانه، نمی‌توان افزایش آمار مجازات‌های سلب‌کننده حیات را به عنوان نمایشی از اقتدار تلقی کرد.

واقعیت این است که جریان‌های رسانه‌ای مخالف، با تمسک به این اخبار، تصویر نظام حکمرانی را از یک ساختار مبتنی بر رأفت و دادگستری، به ساختاری معطوف به برخورد سخت تقلیل می‌دهند. این رویکرد، اقتدار ملی را که نیازمند پشتیبانی مردمی و انسجام داخلی است، در انظار جهانی با چالش‌های حقوقی و دیپلماتیک مضاعف مواجه می‌سازد.

حکمرانی در بحران؛ زمان‌شناسی به اندازه قانون مهم است

در ادبیات حکمرانی متعالی، اقتدار ناشی از سعه‌صدر، قانون‌گرایی شفاف و اقناع عمومی است. اگرچه برخورد با اقدامات مجرمانه یا تسلیحاتی حق صریح هر قانونی است، اما «زمان‌سنجی» در اجرای احکام، مولفه‌ای راهبردی در مدیریت بحران به شمار می‌رود.

اجرای سریع یا غیرمنتظره احکام سنگین، حتی اگر بر اساس ادله پرونده‌ای انجام شده باشد، به دلیل عدم شفاف‌سازی پیشینی در افکار عمومی، زمینه‌ساز شبهه‌افکنی و شایعه‌سازی می‌شود. در فضایی که رسانه‌های بیرونی تلاش دارند هر گونه برخورد قضایی را به انسداد سیاسی و مهار ناآرامی‌ها پیوند بزنند، گام نهادن در مسیر شفافیت حداکثری و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اقناعی، ضامن واقعی امنیت روانی جامعه خواهد بود.

عفو و تخفیف؛ ابزارهایی برای بازسازی اعتماد عمومی

قوانین و آموزه‌های دینی ما همواره بر ترجیح رأفت، عفو و تأمل در امور خطیر تأکید ورزیده‌اند. لزومی ندارد مواجهه با پرونده‌های امنیتی یا معترضان، همواره منطبق بر حداکثر مجازات‌های قانونی باشد. پیشنهادهایی که از سوی مطبوعات و شخصیت‌های مستقل مطرح می‌شود -مانند تعویق اجرای احکام در مناسبت‌های مذهبی (همچون ماه‌های محرم و صفر) یا استفاده از اختیارات القای عفو و تخفیف مجازات- می‌تواند پیام‌رسان هوشمندی و حکمرانی صبورانه باشد.

توقف موقت یا کُند کردن روند اجرای احکام سخت، نه به معنای عقب‌نشینی از امنیت ملی، بلکه نشانه‌ای از تسلط، عقلانیت و دلسوزی ساختار قضایی برای حفظ آرامش جامعه است.

امروز کشور بیش از هر ابزار دیگری، نیازمند ترمیم گسست‌های اجتماعی و ایجاد همبستگی ملی در برابر تهدیدات بیرونی است. قوه قضائیه با اتکا به ظرفیت‌های قانونی، رویکرد عادلانه و استفاده از نمادهای رأفت اسلامی، می‌تواند نقش محوری در کاهش گسل‌های موجود ایفا کند. وقت برای اجرای مجازات قانونی همیشه فراهم است، اما فرصت برای جلب اعتماد عمومی و ایجاد ثبات روانی در جامعه، نیازمند تصمیم‌های شجاعانه و تدابیر رحمانی در لحظات حساس کنونی است.